

گفت و گو

یادداشت

آنچه ترامپ دنبال می‌کند

رسول عبداللهیان

کارشناس روابط بین‌الملل

دونالد ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری خود، اگرچه از تمایل به مذاکره سخن گفته، اما این مذاکره را مشروط به تغییرات بنیادین در سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی جمهوری اسلامی کرده است. او با صراحت اعلام کرده که غنی‌سازی اورانیوم در ایران، حتی در سطح پایین که در برجام مجاز شمرده شده بود، باید به‌طور کامل متوقف شود. از نگاه ترامپ، اگر غنی‌سازی در خاک ایران قابل پذیرش بود، دلیلی برای خروج او از توافق هسته‌ای در دوره نخست وجود نداشت. در کنار مسأله هسته‌ای، موضوع برنامه موشکی ایران نیز جایگاه کلیدی در راهبرد دولت ترامپ دارد. او ناپودی موشک‌های دوربرد ایران و جلوگیری از ساخت مجدد آن‌ها را شرطی غیر قابل چشم‌پوشی برای هرگونه توافق می‌داند. این رویکرد، نه تنها منع فنی برنامه‌های موشکی را دنبال می‌کند، بلکه با هدف سلب کامل قدرت بازدارندگی ایران در برابر اسرائیل و متحدان آمریکا در منطقه طراحی شده است. با بازگشت ترامپ به قدرت در سال ۲۰۲۵، برخی انتظار داشتند که دولت جدید، شاید با اصلاحاتی، دوباره به میز مذاکرات هسته‌ای بازگردد. اما ترامپ نه تنها از بازگشت به برجام امتناع ورزید، بلکه موضعی بسیار سخت‌گیرانه‌تر نسبت به گذشته اتخاذ کرد. از نگاه او، اساس برجام به دلیل پذیرش ضمنی حق غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران معیوب و غیرقابل اصلاح است. ترامپ معتقد است که هرگونه غنی‌سازی بستر بالقوه‌ای برای حرکت به سوی توانمندی تسلیحاتی فراهم می‌کند. بنابراین، در منطق ترامپی، بازگشت به برجام با توافقی مشابه، نوعی عقب‌نشینی استراتژیک محسوب می‌شود که با اهداف امنیتی آمریکا و متحدانش به ویژه اسرائیل در تضاد است. در واقع ترامپ به دنبال توافقی نیست که صرفاً زمان‌بر باشد و ایران را برای چند سال از ساخت بمب باز دارد؛ بلکه او به دنبال محروم‌سازی دائمی ایران از ظرفیت غنی‌سازی است. همین منطق توضیح می‌دهد که حضور نمایندگان دولت ایالات متحده در مذاکرات مسقط و رم جدی نیست و اهداف پشت پرده در خود دارد که با گذر زمان حقیقت آن آشکار می‌شود. ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری خود بارها از آمادگی برای توافق سخن گفته، با این حال چارچوبی که برای چنین توافقی در نظر گرفته، عملاً آن قدر محدودکننده و یک‌سویه است که از نگاه تهران، بیشتر به بیانه تسلیم شباهت دارد تا یک توافق متوازن. نخستین و بنیادی‌ترین خواسته ترامپ، لغو کامل غنی‌سازی است. از نگاه او، اگر ایران واقعاً برنامه‌ای صلح‌آمیز دارد، هیچ دلیلی برای اصرار بر غنی‌سازی داخلی وجود ندارد. دومین خواسته راهبردی ترامپ، ناپودی موشک‌های دوربرد ایران و توقف دائمی برنامه توسعه موشکی با برد بالا است. این خواسته به‌ویژه از منظر نگرای‌های امنیتی اسرائیل برای آمریکا اهمیت دارد. ترامپ بر این باور است که هیچ توافقی بدون خلع سلاح موشکی ایران نمی‌تواند پایدار و قابل اعتماد باشد. زیرا حتی در صورت حذف توان هسته‌ای، وجود موشک‌های دوربرد، همچنان تهدیدی بالقوه برای امنیت اسرائیل در منطقه باقی خواهد ماند. ترامپ همچنین خواهان ایجاد سازوکار دائمی نظارتی بین‌المللی بر تأسیسات نظامی و موشکی ایران است؛ اقدامی که از نگاه جمهوری اسلامی، تجاوز به حاکمیت ملی تلقی می‌شود. در کنار این‌ها، خواسته‌های دیگر دولت ترامپ عبارتند از: توقف کامل غنی‌سازی و حمایت ایران از گروه‌های مسلح در خاورمیانه؛ پایان فعالیت‌های نیابتی ایران در منطقه، بازنگری در سیاست دفاعی منطقه‌ای ایران با هدف تضمین امنیت اسرائیل و کشورهای عربی هم‌پیمان آمریکا و در مجموع، این خواسته‌ها تصویری از توافقی تسلیم‌طلبانه را ترسیم می‌کند که جمهوری اسلامی در صورت پذیرش آن، بسیاری از مؤلفه‌های قدرت سخت و بازدارندگی خود را که دستاورد گرانقیمت سربازان و دانشمندان کشورمان است، از دست خواهد داد. با این شرایط، طبیعی است که نخبگان کشور با دیده تردید و احتیاط به هرگونه مذاکره‌ای با چنین چارچوبی بنگرند. در برابر رویکرد سخت‌گیرانه و فراگیر ترامپ، ایران به اتخاذ سیاستی چندلایه و پیچیده ناچار شده است. تصمیم‌گیران کشور به خوبی آگاه هستند که پذیرش کامل خواسته‌های ایالات متحده، به‌ویژه در زمینه توقف دائمی غنی‌سازی و خلع سلاح موشکی، نه تنها به تضعیف قدرت دفاعی و هویتی نظام می‌انجامد، بلکه پیام روشنی از عقب‌نشینی راهبردی برای مخالفان و متحدان منطقه‌ای‌اش ارسال خواهد کرد. با این حال، فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، به‌ویژه پس از بازگشت ترامپ و تشدید مجدد سیاست «فشار حداکثری»، وضعیت اقتصادی کشور را بیش از پیش شکننده کرده است. گرچه تهران توانسته با اتکا به منابع داخلی و همکاری با چین و روسیه بخشی از این فشارها را مهار کند، اما تأثیرات بر جامعه و ساختارهای اقتصادی اجتماعی، غیرقابل انکار است. در این شرایط، ایران تاکنون رویکردی دوجهی اتخاذ کرده است: از یک سو، مقاومت سیاسی و امنیتی در برابر خواسته‌های یک جانبه ترامپ را در دستور کار قرار داده و از سوی دیگر، درهای مذاکره را به‌صورت مشروط باز نگه داشته است. مقام معظم رهبری بارها اعلام کرده که مذاکره تنها زمانی معنا دارد که با حفظ اصول و بدون پیش‌شرط‌های تحقیرآمیز انجام شود. به بیان دیگر، ایران خواهان مذاکره‌ای است که نه بر پایه تسلیم، بلکه بر پایه توازن منافع بنا شود. در کنار این موضع سیاسی، ایران تلاش کرده وزن راهبردی خود در منطقه را اگرچه با دشواری حفظ کند. هرچند پس از سقوط دولت بشار اسد و تغییر موازنه در سوریه، نقش عملیاتی ایران در این کشور کاهش یافته و روابط راهبردی با روسیه وارد فاز محاطاتری شده است، اما تهران همچنان تلاش دارد از طریق تثبیت حضور در عراق و تقویت جریان‌های همسودر لبنان و یمن، نفوذ منطقه‌ای خود را تا حد امکان حفظ کند. با این حال، واقعیت آن است که توان شبکه مقاومت نیز به دلیل فشارهای مالی، اطلاعاتی و تغییر معادلات میدانی، نسبت به سال‌های گذشته تضعیف شده ولی قطع نشده است. از نگاه جمهوری اسلامی، نمایش ضعف در برابر ترامپ، تنها به تشدید مطالبات او خواهد انجامید. بنابراین، سیاست به مذاکره بدون تسلیم، که هم‌زمان بر حفظ توان داخلی و حفظ گزینه‌های دیپلماتیک تأکید دارد.

آرمان ملی

محسن جلیلودن در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پرونده هسته‌ای ایران

به یک مسأله حیثیتی تبدیل شده است



باید مشخص شود ایران و آمریکا در وضعیت

حداکثری توافق می‌کنند یا حداقلی

تلاش برای تغییر نام خلیج فارس اپوزیسیون

داخل و خارج را با هم متحد کرد

آرمان ملی – احسان انصاری: دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا در حالی در مسقط یا پتخت عمان برگزار شد که اظهارات متناقض مقامات آمریکایی در درون و بیرون از مذاکرات باعث ابهام شده است. از سوی دیگر مذاکرات با رویکرد «بیشتر در مقابل بیشتر» برگزار شد به شکلی که هم ایران و هم آمریکا با حداکثر مطالبات خود وارد مذاکره شده بودند. از یک طرف مقامات آمریکایی در روزهای منتهی به مذاکرات عنوان می‌کردند که غنی‌سازی ایران باید به صورت کامل متوقف شود و از سوی دیگر نیز ایران توقف غنی‌سازی را خط قرمز خود قلمداد می‌کند. ترامپ خواهان یک توافق هسته‌ای جدید است و امیدوار است این توافق شامل «برچیدن کامل» برنامه غنی‌سازی ایران شود. با این وجود وی با همان چالش‌هایی روبه‌رو هستند که پیش‌تر باراک اوباما را به پذیرش برجام واداشت. اینکه چگونه می‌توان ایران را به پذیرش محدودیت‌های معنادار در

ارزیابی شما از دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا چیست؟

من به مذاکرات خوشبین هستم اما به نتیجه مذاکرات خوشبین نیستم. پس از دور چهارم مذاکرات نیز مانند گذشته در طرف نسبت به ماهیت مذاکرات و نتیجه احتمالی ابراز خشنودی و رضایت کردند، اما اینها بیشتر لفاظی‌های دیپلماتیک است و پس از مدتی مسائل دیگری در این زمینه مطرح می‌شود. مذاکرات ایران با آمریکا مانند این است که ما داریم با گوریل شطرنج بازی می‌کنیم. به همین دلیل هر لحظه این احتمال وجود دارد که این گوریل صفحه شطرنج را بشکند و یا بازی را به هم بزند. این وضعیت درباره برجام نیز وجود داشت و در عین حالی که ما با آمریکا به توافق رسیده بودیم اما ترامپ آن را به هم زد و ایران نیز کاری نتوانست انجام دهد. در مورد مذاکرات کنونی نیز این وضعیت وجود خواهد داشت. امروز ما درباره چهار دور مذاکره صحبت می‌کنیم اما هنوز نمی‌دانیم که چه امتیازاتی به طرف مقابل داده شده و چه امتیازهایی قرار است دریافت کنیم. این مسأله بسیار مهم است. در شرایط کنونی ایران و آمریکا نیز نمی‌دانند که قرار است روی چه مسائلی اجماع کنند و آیا خواسته‌های طرفین در وضعیت حداکثری مورد توافق خواهد گرفت و یا در وضعیت حداقلی. ویتکاف دلایل معاملات املاک بوده و به همین دلیل هیچ‌گاه به شکلی صحبت نمی‌کند که گویا امتیازی به طرف مقابل داده است. از سوی دیگر ایران نیز به شکلی موضع‌گیری می‌کند که نشان دهد در مقابل طرف مقابل کم نیاروده است.

یکی از مسائلی که حساسیت‌ها را نسبت به دور چهارم مذاکرات بالا برده بود اظهارات ویتکاف درباره توقف غنی‌سازی ایران بود. ایران در صورت درباره این مسأله چه تصمیمی خواهد گرفت؟

من فکر نمی‌کنم ایران این موضوع را بپذیرد و این موضوع را بارها از تریبون‌های رسمی اعلام کرده است. یکی از اندیشکده‌های آمریکایی پیشنهاد داده که ایران با کشورهایی منطقه اعم از کشورهای عربی، ترکیه و روسیه کنسرسیوم تشکیل دهد که غنی‌سازی را در چارچوب این کنسرسیوم انجام دهد. پیشنهاد دیگر این است که ایران غنی‌سازی را انجام دهد اما تحت نظارت آمریکا باشد و در نهایت نیز غنی‌سازی در اختیار آمریکا قرار بگیرد. از این قبیل پیشنهادات زیاد داده می‌شود اما مهم این است که آیا ایران این پیشنهادات را می‌پذیرد یا خیر. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که پرونده هسته‌ای از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای ایران به یک مسأله حیثیتی تبدیل شده است. به همین دلیل برای ایران دشوار شده که برای پیشنهادات را بپذیرد و آن را روی میز بگذارد. امروز زمان آن رسیده است که مدیران جامعه برای مردم توضیح دهند و ابعاد برنامه هسته‌ای را برای افکار عمومی روشن کنند. زمان آن رسیده است که مدیران با عموم مردم سخن بگویند و مردم را قانع کنند که چرا برنامه هسته‌ای را دنبال کرده‌اند. تا زمانی که چنین توضیحی به مردم داده نشود، افکار عمومی در ابهام می‌ماند و ممکن است تحت تأثیر رسانه‌های معاند قرار گیرد. برای مثال عنوان می‌شد که پرونده هسته‌ای برای تأمین برق است یا برای مصارف پزشکی و تولید



برنامه هسته‌ای‌اش واداشت بدون آنکه در صورت امتناع تهران به‌استفاده از نیروی نظامی شد. در موضوعات هسته‌ای، مقامات ایران همچنان سرسخت باقی‌مانده‌اند. آنها اصرار دارند که نه برنامه غنی‌سازی و نه برنامه موشک‌های بالستیک خود را کنار نخواهند گذاشت و تنها در صورتی با توافق جدید موافقت خواهند کرد که شامل رفع تحریم‌های گسترده اقتصادی و تضمین‌هایی در برابر خروج احتمالی دوباره آمریکا از توافق باشد. اگر تهران عقب‌نشینی نکند ترامپ نهایتاً با باید توافقی را بپذیرد که بسیار شبیه همان توافقی است که پیش‌تر محکوم کرده بود. با اینکه وارد مسیرهای دیگر شود که در این صورت پیامدهایی غیرقابل پیش‌بینی در پی خواهد داشت. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا با دکتر محسن جلیلودن استاد دانشگاه و تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

مذاکرات ایران با آمریکا مانند این است که

ما داریم با گوریل شطرنج بازی می‌کنیم.

به همین دلیل هر لحظه این احتمال

وجود دارد که این گوریل صفحه شطرنج را

بشکند و یا بازی را به هم بزند

راد یوداروها نیاز به این صنعت داریم. دقیقاً الان وقت آن رسیده که ابیهامات برطرف شود. این سوال از آن جهت اهمیت دارد که به دلیل ناترازی‌ها، موضوع برق برای مردم مهم است.

تناقض در اظهارات مقامات آمریکایی درباره ایران به

شکلی است که برخی عنوان می‌کنند این نوع تناقض‌گویی

به معنای این است که هنوز در کاخ سفید اجماع واحدی

درباره ایران وجود ندارد. از سوی دیگر نیز برخی این

تناقض‌گویی‌ها را یک نوع استراتژی می‌دانند که تصمیم‌گیری

را برای ایران سخت کند. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

آمریکا در مسیر مذاکرات زیگزاگ می‌رود تا بتواند شرایط را تحلیل کند و تصمیمی بگیرد که به زعم آنها بهترین تصمیم است. نکته مهمی که درباره مذاکرات وجود دارد این است که باید دو فاکتور اسرائیل و مردم ایران را در نظر گرفت. هر توافقی که صورت بگیرد این دو فاکتور روی آن تأثیرگذار خواهند بود. در چنین شرایطی آمریکا در مسیر مذاکرات زیگزاگ می‌رود تا شرایط را سبک و سنگین کنند و بتوانند تصمیم‌گیری صحیحی انجام بدهند. استراتژی اصلی آمریکا در مذاکرات حفظ و تقویت اسرائیل و ساخت یک خاورمیانه نوین است. موضوعات دیگری که در این زمینه مطرح می‌شود فرعی است. از نگاه آمریکایی‌ها اگر قرار است مذاکرات به نتیجه مثبت برسد، در مرحله نخست ایران باید در وضعیتی قرار بگیرد که دیگر موجودیت اسرائیل را به خطر نیندازد. در گام‌های بعدی ایران باید در وضعیتی قرار بگیرد که نتواند امنیت اسرائیل را تهدید کند. به همین دلیل برنامه هسته‌ای ایران در اولویت کشورهای غربی قرار دارد و آنچه برای کشورهای غربی مهم است این است که ایران نتواند به صورت هسته‌ای موجودیت اسرائیل را تهدید کند. با اینکه ایران بارها اعلام کرده که برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و تهدیدی برای هیچ کشوری نیست، اما برخلاف تمام گزارش‌هایی که از آنش تاکنون تهیه

ترامپ به دنبال اهداف اقتصادی از سفر

به این کشورهاست و براساس اخباری که

منتشر شده این کشورها ممکن است هر

کدام بین ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار در آمریکا

سرمایه‌گذاری کنند

آنها و به تبع آن، تضعیف موقعیت آمریکا در

نظام بین‌المللی منجر خواهد شد.

در نهایت حل معمای پیچیده تأثیر

روابط ایران با شرق بر مذاکرات هسته‌ای با

آمریکا، به درک عمیق از پویایی‌های قدرت

جهانی، ظرفات‌های سیاست خارجی و

هنر دیپلماسی نیازمند است. ایران باید

با هوشمندی تمام، تعدادی ظرفیت میان

حفظ منافع ملی خود در توسعه روابط با

کشورهای مختلف و ضرورت حل و فصل

مسئله هسته‌ای از طریق دیپلماسی

ایجاد کند. در غیر این صورت سایه

سنگین سوءظن و بدبینی ناشی از این

روابط، همچنان بر میز مذاکرات سنگینی

خواهد کرد و دستیابی به یک توافق پایدار

و جامع را با چالش‌های روزافزون مواجه

خواهد ساخت.

نگره

حشمت‌ا... فلاح‌ت پیشه مطر ح کرد

بازیرگان داخلی در مذاکرات هسته‌ای

مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا به دور چهارم خود رسید و به نظر می‌رسد نشست روز یکشنبه مهم‌ترین دور مذاکرانی خواهد بود. به گفته نماینده آمریکا اگر مذاکرات در این دور نتیجه‌بخش نباشد، ادامه نخواهند یافت، اما اگر مذاکرات نتیجه‌بخش باشد، گفت‌وگوهای بعدی می‌تواند شامل ابعاد فرهنگی و اقتصادی نیز بشود. با این وجود طرف ۲ هفته گذشته در داخل کشور مخالفان توافق تلاش کرده‌اند تصویری مایوس‌کننده از گفت‌وگوها را پیش‌روی جامعه قرار دهند. در مقابل موافقان توافق کوشیدند جنبه‌های مثبت ماجرا را برجسته‌سازی کنند. تا به اینجای قضیه دولت مسعود پزشکیان با وجود تمایل به توافق، خود را از حواشی مذاکرات کنار کشیده است تا موضوع تحت تأثیر کشمکش‌های جناحی و سیاسی قرار نگیرد. مجلس شورای اسلامی نیز بجز اقلیتی از نمایندگان تندرو، بیشتر نظاره‌گر بوده است، حتی محمد باقر قالیباف اعلام کرده که مخالفتی با مذاکره ندارد. نهادهای نظامی نیز در چارچوب تصمیم‌گیری‌های نظام عمل کردند و تنها زمانی که طرف مقابل با عناصر ثالث، موضوع تهدید نظامی را مطرح کردند، پاسخ متقابل به آنها دادند. حال سوال این است که آیا بازیرگان دیگری هم هستند که روی موضوع مذاکره انگ‌دار باشند؟

کاسبان تحریم

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره بازیرگان داخلی در مذاکرات هسته‌ای گفت: موضوعات کلان سیاست خارجی در شورای عالی امنیت ملی تصمیم‌گیری می‌شود که در نهایت جمع‌بندی این شورا برای اجرایی شدن باید به تأیید رهبر معظم انقلاب برسد. از این رو موضوع مذاکرات هسته‌ای از جمله موضوعاتی است که تصمیم‌گیری درباره آن در حوزه مسئولیت شورای عالی امنیت ملی قرار دارد. حشمت‌ا... فلاح‌ت پیشه افزود: اگر هر دولتی با هر نظری روی کار بیاید، رئیس‌جمهور رئیس شورای عالی امنیت ملی خواهد بود، در کنار او، وزرای مربوطه همچون وزیر خارجه و وزیر دفاع عضو این شورا هستند که اگر آنها همسو با نظر رئیس‌جمهور باشند وزن نگاه دولت آنجا مشخص و غالب می‌شود. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم یادآور شد: کل مجلس تنها یک نماینده در شورای عالی امنیت ملی دارد که او هم رئیس مجلس است. البته روال باید این باشد که رئیس مجلس نظر جمعی نمایندگان مجلس را در شورای عالی امنیت ملی نمایندگی کند ولی در عمل عکس این اتفاق افتاده یعنی رئیس مجلس نماینده شورای عالی امنیت ملی در مجلس بوده است. وی با بیان اینکه بعضاً نظرات مجلس در شورای عالی امنیت ملی بررسی نمی‌شود، افزود: «رئیس مجلس تصمیمات شورای عالی امنیت ملی را به اطلاع مجلس می‌رساند تا طبق آن عمل کنند. قوانین شد، نگارش آنها با مشورت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بود. این استاد دانشگاه درباره نقش سازمان‌ها و نهادهای نظامی در مذاکرات اظهار کرد: نمایندگان نهادهای نظامی نیز عضو شورای عالی امنیت ملی بوده و صاحب رأی و تأثیر هستند، اما تجربه نشان داده که اگر دولتی موافق یا مخالف مذاکره باشد به ویژه در سال نخست کار خود می‌تواند نظر خودش را در آنجا غالب کند. در زمان دولت احمدی‌نژاد، کشور وارد چالش با دنیا شد، برعکس در زمان ریاست جمهوری آقای روحانی شورای عالی امنیت ملی موضوع مذاکره را پذیرفت بنابراین دولت در موضوع مذاکره یا عدم مذاکره صاحب نقش و تأثیر است. وی با اشاره به سایر بازیرگان داخلی مذاکرات افزود: «گروه‌های صاحب قدرت بسته به جایگاهی که در دولت به آنها داده می‌شود در موضوع مذاکره صاحب اثر هستند مثلاً کاسبان تحریم عامل اصلی بزرگ‌ترین فرصت‌سوزی در دوره ریاست جمهوری مرحوم رئیسی بودند. در سال نخست دولت سیزدهم ایران و ۵۰۱ در آستانه توافق بودند که آن توافق بر زمین تا آسمان با آنچه تیم ترامپ دارد به ایران پیشنهاد می‌دهد تفاوت داشته. این کارشناس مسائل سیاست خارجی بیان کرد: در آن مقطع فرصت اساسی را داشتیم و ایران می‌توانست با طرف مقابل توافق خوبی انجام دهد ولی کاسبان تحریم و گروه‌های فشار افراطی عملاً مانع توافق شدند، البته از همه مهم‌تر روس‌فیل‌ها بودند که موضوع را به جنگ روسیه و اوکراین ربط دادند؛ از این رویکی از بزرگ‌ترین فرصت‌سوزی‌ها در تاریخ مذاکرات هسته‌ای ایران از بین رفت. وی با اشاره به سایه سنگین تهدید و فشارها بر مذاکرات هسته‌ای کنونی افزود: البته در ماه‌های پایانی دولت آقای روحانی نیز ایران در حال انجام توافق خوبی با دولت بایدن بود، اما در آن مقطع نیز گروه‌های افراطی مانع توافق شدند تا آن توافق به دست دولت روحانی انجام نشود. آقای عراقچی آن دوره مسئول مذاکرات هسته‌ای بود و مذاکرات را تا آستانه توافق پیش برد، امروز مسئولیت مذاکره را برعهده دارد، اما خود او می‌داند چقدر این دو دوره مذاکرانی با هم متفاوت هستند.